

روش سخنرانی دینی

حسین ملازوری

مقدمه

خصوصاً در عرصه خطابه و سخنوری برداشته شده و اینک کلاسهای روش سخنرانی دینی، متفاوت از یک دهه گذشته، در سطح حوزه‌های علمیه و مجموعه‌های آموزشی تبلیغ برقرار می‌شود.

گروه علمی مهارت‌های خطابی که به منظور تولید روش برای سخنرانی دینی در مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ تشکیل گردید بیش‌ترین نقش را در این باره داشته و خدمات ارزشمند اساتید دلسوز این مجموعه، شایسته

روشمند کردن تبلیغات دینی در ابعاد مختلف آن از جمله نیازهای امروز حوزه و روحانیت است. در این میان، سخنرانی دینی با سابقه دیرین و تأثیرگذاری ویژه، به عنوان سنتی‌ترین روش تبلیغی روحانیت شیعه اهمیتی ویژه دارد. با تأسیس مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم و اهتمام مسئولان و اساتید گرانقدر آن، به لطف خداوند گام‌های مؤثری در راه تولید روش‌های نوین تبلیغی

آقای نبوی، معاون محترم تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه علمیه قم که در بازبینی این اثر اهتمام ویژه نموده و با راهنمایی خود اشکالات آن را گوشزد و در تکمیل و تصحیح آن نقش فراوان داشته‌اند، سپاسگزاری ویژه داشته باشم.

آنچه در پی می‌آید حاصل اندوخته‌های اینجانب از مباحث جلسات گروه علمی مهارتهای خطابی، مطالب مطرح شده در کلاسهای برخی از اساتید، و مطالعه و پژوهش جهت مستندسازی، رفع ابهامات، توضیح و تبیین و ارائه شواهد لازم برای آنهاست.

در اینجا بیان دو نکته ضروری است:

۱. مطالبی که در این سلسله مقالات ارائه می‌شود براساس فصول کتاب «روش سخنرانی دینی» است که انشاءالله به زودی منتشر خواهد شد.

ستایش است. سرفصلهای کتاب روش سخنرانی دینی به سبک جدید در این گروه، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و هر یک از اعضای آن با تغییرات مختصر، به تدریس پرداخته‌اند.

نویسنده این سطور که مدتی نیز در این گروه علمی عضویت داشته، از افکار و اندیشه‌های ایشان استفاده‌های فراوان برده است. ضمن گرامیداشت یاد و خاطره مبلغ با اخلاص، متعهد و ولایتمدار، مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ عبدالله ضابط که یکی از پایه‌گذاران گروه علمی مهارتهای خطابی بود، و تقدیر و تشکر از دیگر اعضای این گروه، حضرات حجج اسلام آقایان علیرضا پناهیان، محمد مهدی ماندگار و مخصوصاً برادر عزیز و گرامی جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا برادران، جا دارد از استاد گرانقدر، جناب حجت الاسلام والمسلمین

درس اول
جایگاه تبلیغ، مبلغ و
سخنوری

از آنجا که آن کتاب به منظور تدریس در کلاسهای درس «روش سخنرانی دینی» نگارش می‌یابد، به صورت دروس مجزا بوده و طبعاً برخی از درسهای اولیه به اقتضای کتاب و کلاس درس، شامل مباحث غیرروشی؛ مثل اهمیت تبلیغ و سخنرانی، تاریخ خطابه و... خواهد بود.

اهداف این درس عبارتند از
آشنایی با:
۱. جایگاه تبلیغ و مبلغ در آیات و روایات؛

۲. برای خود آزمایی طلاب و فضیلتی محترم، در پایان هر درس پرسشنامه‌ای ارائه شده است. همچنین جهت ایجاد روحیه پژوهش در خوانندگان گرامی و یا تمرین برخی

۲. اهمیت و جایگاه سخن و سخنوری در عصر ارتباطات؛
۳. مقام و مرتبه گویندگان مذهبی در قرآن؛

از روشها، در پایان درسها درخواست پژوهش بیشتر و یا تمرین کرده‌ایم.

۴. پاسخ اشکالات مطروحه در باره سخنرانی.

جایگاه تبلیغ و مبلغ

تبلیغ و مبلغ در اسلام، جایگاهی بس رفیع دارند. در اهمیت و ارزش تبلیغ، همین بس که قرآن کریم، اصلی‌ترین رسالت انبیا و مبلغان راستین دین را ابلاغ پیامهای خداوند به مردم می‌داند و می‌فرماید: **«الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ**

از همه اساتید، مبلغان و پژوهشگران گرامی درخواست کمک داریم و امیدواریم با ارائه نظرات ارزنده خود، ما را در ادامه راهی که در پیش گرفته‌ایم یاری کنند.

همچنین رسالت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را هدایت مردم می‌داند و درباره او می‌فرماید: «رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا»^۱ «رسولی [به سوی شما فرستاده] که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها به سوی نور خارج سازد و هر کس به خدا ایمان آورد و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغهایی از بهشت وارد سازد که از زیر درختانش نهرها جاری است. جاودانه در آن می‌مانند و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است.»

۳. طلاق / ۱۱.

لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا»^۱ «[پیامبران پیشین] کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند، و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند، حسابگر [و پاداش‌دهنده اعمال آنها] است.»^۲

۱. احزاب / ۳۹.

۲. همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِنْ جَاءُوكَ فَقُلْ اسْتَلِّتُمْ إِلَيْهِ وَمَنْ أَتَيْتُمْ وَ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابُ وَالْأَمِينُ أَسْتَلِّتُمْ فَإِنْ اسْتَلِّتُمْ فَقَدْ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^۳ «اگر با تو به گفتگو و ستیز برخیزند [با آنها مجادله نکن و] بگو: من و پیروانم در برابر خداوند [و فرمان او] تسلیم شده‌ایم و به آنها که اهل کتاب هستند (یهود و نصارا) و بی‌سوادان (مشرکان) بگو: آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر [در برابر فرمان و منطق حق] تسلیم شوند، هدایت می‌یابند. و اگر سرپیچی کنند، بر تو تنها ابلاغ [رسالت] است و خدا نسبت به پندگاران بیناست.» (آل عمران / ۲۰)

در سوره‌های رعد / ۴۰، مائده / ۹۲ و نحل / ۸۲ نیز ابلاغ پیام الهی، رسالت اصلی پیامبر اسلام ﷺ معرفی شده است.

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز برای تبلیغ دین اهمیتی بس والا قائل بوده‌اند، برای نمونه یک روایت از امام علی علیه السلام نقل می‌شود.

ایشان فرمودند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به سوی یمن روانه ساخت، اینچنین فرمود: «يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَنْتُمْ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ وَكَانَ وَلَاؤُهُ» ای علی! با هیچ کس، پیش از دعوت او به اسلام جنگ مکن. سوگند به خدا! اینکه خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، برایت بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است و تو مولای اویی.»

آشکاراست که هدف از جهاد در راه خدا نیز فراهم کردن زمینه برای

هدایت گمراهان و باز کردن زنجیرهایی است که مستکبران بر اندیشه مستضعفان کشیده‌اند.

انسانهای برجسته، مهم و برگزیده در هر مکتب و مرام، کسانی هستند که برای تحقق اهداف آن بسیار می‌کوشند. در مکتب اسلام، پیامبر و الامقام مسا، مبلغان دین را از برگزیدگان امت خود می‌داند و می‌فرماید: «خيارُ أمتي من دعا إلى الله تعالى وحبب عبادة إليه»^۲ برگزیدگان امت من کسانی هستند که به سوی خداوند متعال فرا می‌خوانند و بندگانش را محبوب او می‌سازند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در جای دیگری آمران به معروف و ناهیان از منکر را - که مبلغان دین از مصادیق بارز آنها هستند - جانشین خدا، رسول و قرآن

۲. کنز العمال، متقی هندی، تصحیح: صفوة السقا.

مکتبة التراث الاسلامی، بیروت، ۱۳۹۷ هـ. ق.

چ اول، ج ۱۰، ص ۱۵۲، ح ۲۸۷۷.

۱. الکافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران،

چ چهارم، ۱۳۶۵ هـ. ش، ج ۵، ص ۳۶، ح ۲.

چه کسانی اند؟ فرمود: آنان که گفتار و کردار مرا تبلیغ می کنند و آنها را به امت من می آموزند.»

مبلغ با تلاش تبلیغی خود، سستهای نیکوی الهی و انسانی را در جامعه پایدار می سازد و بدعتها و خرافات را بر می چیند و محبت الهی را در دل و جان انسانها می نشاند و با حرکت دادن مردم به سوی پارسایی، آنان را محبوب خداوند می سازد؛ از ایشرو پاداش زیادی نزد خدا دارد.

امامان معصوم علیهم السلام بهشت را پاداش مبلغان قرار داده و آنها را از کسانی معرفی کرده اند که پیامبران و شهیدان به مقامشان غبطه می خورند. به دو حدیث ذیل توجه نمایید:

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَدَّى إِلَى أُمَّتِي حَدِيثًا يَكِيمُ بِهِ سُنَّةً أَوْ يَسْلِمَ بِهِ بِدْعَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۳ هر کس حدیثی را به

معرفی می کند و می فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَخَلِيفَةُ كِتَابِهِ»^۱ هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خدا در زمین است.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیام آوران دین را جانشینان خود برمی شمارد و محبت ویژه خویش را نثار آنان کرده، برایشان دعا می کند. امام علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي! - ثَلَاثًا - قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يَتْلُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي»^۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله سه بار فرمود: خداوند! به جانشینانم رحم کن! گفته شد: ای رسول خدا! جانشینان شما

۳. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفا،

بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، چاپ دوم، ج ۲، ص ۱۵۲.

ح ۲۳.

۱. همان، ج ۳، ص ۷۵، ح ۵۵۶۴.

۲. الامالی، شیخ صدوق، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۰۷

هـ. ق، چاپ اول، ص ۲۴۷، ح ۲۶۶.

گفته شد: ای رسول خدا! آنان چه کسانی اند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که خدا را در نظر مردم و مردم را در نظر خداوند محبوب می‌سازند.

گفتیم: اینکه خداوند را در نظر بندگان محبوب می‌سازند، روشن است؛ اما چگونه بندگان خدا را در نظر خداوند محبوب می‌کنند؟ فرمود: آنان را بدانچه خداوند دوست می‌دارد، فرمان می‌دهند و از آنچه او ناپسند می‌شمارد، نهی می‌کنند. وقتی مردم از آنان اطاعت کنند، خداوند ایشان را دوست خواهد داشت.

جایگاه سخن و سخنوری

انسان، موجودی متفکر و اجتماعی است. او در ارتباطات اجتماعی خود با دیگران تعامل دارد، به داد و ستد فکری، احساسی و... می‌پردازد و پیامهای خویش را با روشهای مختلف، مانند: اشاره، نوشتن، گفتن و تصویر به دیگران می‌رساند. از این میان، مهم‌ترین و شاید بی‌بدیل‌ترین

اتمم برساند که با آن سستی را برپا دارد یا بدعتی را درهم شکند، بهشت از آن او خواهد بود.

۲. راوی نقل می‌کند: «قال رسولُ الله ﷺ: أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْطِبُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ؟ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ يُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا: هَذَا حَبِيبُوا اللَّهُ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ: يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ»^۱ پیامبر عزیز خدا فرمود: آیا برای شما از اقوامی بگویم که از پیامبران و یا شهیدان نیستند، اما در روز قیامت، پیامبران و شهیدان به منزلت آنان نزد خداوند - که بر منبرهایی از نورند - غبطه می‌خورند؟

۱. مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، طبرسی، تحقیق: مهدی هوشمند، دار الحدیث، قم، ۱۴۱۸ هـ. ق، جاب اول، ص ۲۴۰، ح ۶۹۲.

ابزار آدمی برای انتقال پیامهایش زبان است.

رسانه‌های متنوع و ابزارهای ارتباطی فراوانی در دوران معاصر و در عصر ارتباطات، پا به عرصه وجود گذاشته تا انسان را در پیام‌رسانی یاری دهند؛ اما به هیچ‌وجه نتوانسته‌اند جای سخن را بگیرند و یا اعتبار آن را کاهش دهند.

فیلم، سینما، فضای مجازی اینترنت، محصولات هنری و دیگر وسایل ارتباط جمعی با همه قدرت و اهمیت و ارزشی که دارند، هیچ‌گاه نمی‌توانند عرصه را بر شیوه بی‌بدیل و سنتی تبلیغ؛ یعنی سخنرانی، تنگ کنند و یا به جای آن بنشینند.

سالهاست که افراد زیادی، تفاوت‌های موجود میان رسانه‌ها را بررسی کرده‌اند. مارشال مک‌لوهان، نخستین کسی بود که به شیوه‌ای متقاعدکننده، رسانه‌ها را به دو قسمت تقسیم کرد و مدعی شد رسانه یا گرم است و یا سرد. او رسانه‌های

همه‌حسی^۱ را سرد و رسانه‌های تک‌حسی^۲ را گرم می‌داند. وی رسانه‌های گرم را شامل ابزارهایی بر می‌شمرد که قادرند مفهوم منظور را به کمک ذهن و تخیل مخاطب کامل کنند؛ اما رسانه‌های سرد نمی‌توانند چنین امکانی را برای مخاطبان‌شان فراهم سازند. به این ترتیب، رادیو گرم است؛ چون شنونده سعی می‌کند آنچه را می‌شنود با تصورات خود در ذهنش تکمیل کند. در مقابل، تلویزیون، رسانه سرد است؛ چون همه چیز را به بیننده نشان می‌دهد و جای فعالیت چندانی برای وی نمی‌گذارد.^۳

۱. رسانه‌ای که انسان با همه یا چند حس خود می‌تواند از آن پیام را دریافت کند، مثل تلویزیون که دیداری و شنیداری است.

۲. رسانه‌ای که فقط با یک حس انسان سر و کار دارد مثل رادیو، که فقط با گوش، پیامش را می‌توان شنید.

۳. ر. ک.؛ برای درک رسانه‌ها، هربرت مارشال مک‌لوهان، ترجمه سعید آذری، مرکز تحقیقات،

مشابهی قرار دادند که محور آنها جنگ، مذهب و سایر موضوعهای بحث‌انگیز بود. گروه اول در برابر سخنرانی می‌نشستند و گروه دیگر، همان سخنرانی را از رادیو می‌شنیدند و گروه سوم آن را به صورت چاپ شده می‌خواندند. آن‌گاه همه را آزمایش کردند تا ببینند تغییر نگرش یا گرایش آنها چگونه است. نتایج در تجربه‌هایی که به طور متوالی، یکی پس از دیگری صورت پذیرفت، همواره ثابت بود. سخنرانی رو در رو مجاب‌کننده‌تر از رادیو و رادیو مجاب‌کننده‌تر از متن چاپی بود.^۱

در کنار همه این مباحث، نباید از ارتباط روحی بین گوینده و شنونده در سخنرانی و تبلیغ چهره به چهره و آثار معنوی و مثبت آن - که قابل

سخنرانی، بیش‌تر با بعد شنیداری انسان مرتبط است؛ از اینرو بیش از رسانه‌های دیداری، انسان را به تفکر، درک و فعالیت ذهنی وامی‌دارد. همچنین باعث افزایش قدرت اندیشه می‌شود و برای درک مفاهیم عمیق، مناسب‌تر است.

حتی می‌توان گفت که سخنرانی، بهتر از رسانه گرمی مثل رادیو و یا یک متن نوشتاری مخاطب را متقاعد می‌کند و مطالب مورد نظر را به وی منتقل می‌سازد. گزارش ذیل، شاهدی بر این مدعا است:

«در سالهای دهه ۱۹۳۰ م اندیشمندانی چون: دابلو. اچ، ویلکی، فرانکلین توور، هدلی کانتریل، کوردون آلپرت، یک آزمایش انجام دادند، آنها گروههایی «جور شده» از دانشجویان را در برابر مباحث

۱. مقاله رسانه‌ها و جهانی شدن فرهنگ، مسعود

واحدی، وب سایت کلمه

(www.kalameh.org)، ۱۳۸۷/۳/۲۱

مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما، تهران،

۱۳۷۷ ه. ش. ص ۲۳ و ۲۴.

مقایسه با دیگر رسانه‌ها نیست - غافل بود.

ظرفیت بالای کلمه و کلام برای انتقال معارف بلند اسلامی نیز بر اهمیت سخنرانی در کنار دیگر ابزارها و شیوه‌های مدرن انتقال پیام می‌افزاید. بسیاری از معارف الهی در دین اسلام با تأثیری عمیق به صورت گفتاری و نوشتاری بیان شده است و اگر بخواهد به صورت فیلم و تصویر در آید، از قداست و اهمیت آن کاسته می‌شود. برای مثال، چه کسی می‌تواند یوسف قرآن، جن، فرشته، بهشت و دوزخ را در یک فیلم به تصویر بکشد و جایگاه این مفاهیم را آن گونه حفظ کند که با سخن نوشته به ذهن مؤمنان منتقل شده است؟

با توجه به آنچه گذشت، بهتر می‌توان عنایت خداوند به مسئله «بیان» را در سوره مبارکه «الرحمن» درک کرد که پس از خلقت الهی انسان، به نعمت سخنگویی و کتابت

می‌پردازد و می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»؛ «خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید، و به او بیان را آموخت».^۲

همچنین خداوند متعال در کامل‌ترین کتاب آسمانی خویش مبلفان هدایتگر به خدا و اهل عمل صالح را می‌ستاید و می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»^۳ «چه کسی خوش‌گفتارتر از آن کسی است که به سوی خدا دعوت می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمانانم.» در این آیه به

۱. الرحمن ۱-۴.

۲. «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ أَي اسْمَاءَ كُلِّ شَيْءٍ وَاللُّغَاتُ كُلُّهَا... عَلَّمَهُ الْبَيَانَ أَي النَّطْقَ وَ الْكِتَابَةَ وَالْخَطَّ وَالْقَهْمَ وَالْإِنْفَهَامَ حَتَّى يَعْرِفَ مَا يَقُولُ وَ مَا يَقَالُ لَهُ.» مجمع البيان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تصحیح و تحقیق و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سیدفضل الله یزدی طباطبایی، دارالمعرفة، بیروت، بی‌تا، ج ۹-۱۰، ص ۲۹۹.

۳. فصلت/۳۳.

گوینده بودن مبلغان دینی اشاره شده و سخن نیکوی آنان مورد ستایش قرار گرفته است.

در دوران کنسولی، حفظ جایگاه وعظ و استفاده از ابزار زبان به شکل مؤثر، اهمیتی صد چندان می‌یابد؛ زیرا اکنون در شرایطی هستیم که مدعیان دروغین هدایت، اصلاح و خیرخواهی در جهان، از همه ابزارهای پیام‌رسانی با جاذبه‌های فراوان و به شکلی مؤثر استفاده می‌کنند و توده‌های عظیم انسانی را همراه خود به سوی کورستان جهل و خرافه می‌کشانند.

در عصری که فرعونیان با سخنان زهرآگین خود، فضای فرهنگی، اخلاقی و علمی جامعه را مسموم می‌کنند، باید همانند حضرت موسی علیه السلام قدرت سخن گفتن را به صورتی فصیح و بلیغ از خدای بزرگ خواست.

قرآن کریم می‌فرماید: (وَ تَادَى فِرْعَوْنَ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي

مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ * أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَ لَأَيَّكَادُ يُبِينُ * فَلَوْلَا أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ آسُورَةَ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَايِكَةُ مُقْتَرِنِينَ * فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ وَ قَاتَعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ)؛ «فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارند؟ آیا نمی‌بینید؟ مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم؟! [اگر راست می‌گوید] چرا دستبندهای طلا به او داده نشده است یا اینکه چرا فرشتگان دوشادوش او نیامده‌اند [تا گفتارش را تأیید کنند]؟! [فرعون] قوم خود را سبک شمرد. در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند.»

آنان بهتر از دیگران می‌توانند از حریم ارزشهای اجتماعی، دینی و سیاسی خویش دفاع کنند و یا با تیرهای نافذ سخن، افکار جهل‌آلود را هدف بگیرند. در حقیقت برخی سخنان از تیرهای جنگجویان تأثیرگذارترند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رُبَّ كَلَامٍ أَنْفَذَ مِنْ سِيَاهٍ»^۱ چه بسا سخنی که تأثیرش از تیرها [ی نافذ] افزون‌تر است.»

و چه زیبا در اهمیت و جایگاه سخنوری سروده‌اند که:

به گوینده گیتی، برازنده است

که گیتی به گویندگان زنده است^۲

پاسخ به چند اشکال

پیش از پرداختن به روش سخنرانی، پاسخ به چند اشکال درباره تبلیغ و سخنرانی لازم است.

۲. معجم الفاظ غرر الحکم و درر الکلم، مصطفی درایتی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۱۳، ص ۹۹۵.

۳. ادیب.

از این آیات استفاده می‌شود که فرعون از ابزار قدرتمند سخن برای فریب افکار عمومی بهره می‌گرفته است؛ از اینرو لازم بود حضرت موسی علیه السلام قبل از مواجهه با او برای مقابله با قدرت تبلیغی فرعون، از خدای بزرگ، قدرت سخن گفتن بخواهد. اینجاست که قرآن کسریم می‌گوید: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي * يَقْفَهُوا قَوْلِي»؛^۱ [موسی] گفت: پروردگارا سینه‌ام را گشاده کن و کارم را برایم آسان فرما، و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند.»

به یاد داشته باشیم که سخنرانی مؤثر، عاملی اساسی برای معرفی و تثبیت جایگاه ادیان، فرقه‌ها، گروه‌های سیاسی و رهبران دینی و اجتماعی است. راهبرانی که در سخن و سخنوری توفیق بیش‌تری دارند، از مقبولیت بیش‌تری نیز برخوردارند.

۱. علمی نبودن

گاه گفته می‌شود که سخنرانی، علم نیست تا قابل پی‌گیری و آموزش باشد؛ تنها یک ذوق است و هر کس به صورت خدادادی ذائقه سخنوری داشته باشد، سخنران می‌شود. آنان می‌گویند افرادی که از چنین موهبتی برخوردار نباشند، هرگز نمی‌توانند سخنوری مقبول باشند.

در پاسخ به این ایراد، می‌توان گفت: سخنرانی، نیازمند استعدادهای عام، مانند: قدرت فراگیری، حافظه بالا و... و استعدادهای خاصی همچون: بیان رسا، تن صدای خاص، تعادل روانی مناسب و... است. میزان اعتماد سخنرانی به «ذوقهای شخصی» و «فنون قابل انتقال» مشخص نیست؛ ولی می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از نیازها و فنون آن، قابل انتقال و یادگیری است. تجربه چند ساله رشته تخصصی تبلیغ حوزه علمیه قم در مقاطع مختلف آن، با استفاده از

همین روشها و فنون، گویای این واقعیت است که بخش عظیمی از علم و فن سخنرانی، قابل انتقال به دیگران است.

سخنوری از یک سو روشمند است و مانند منطق که روش استدلال است و اصول که روش استنباط احکام الهی است، روش انتقال محتوا از طریق سخن با فصاحت و بلاغت را به همراه دارد. از سوی دیگر، یک هنر است و به ذوق، استعداد فطری، خلاقیت و ابتکار نیاز دارد تا آنجا که برخی سخن گفتن را «هنر گفتگو در اجتماع»^۱ تعریف کرده‌اند.

۲. کفایت علم و عمل

بعضی می‌گویند: داشتن علم و عمل به آن، برای تبلیغ دین خدا کافی است و لزومی ندارد که به فراگیری روشها و از جمله روش سخنرانی

۱. هنر سخن گفتن، ژرژ سون، ترجمه اسماعیل اسمعی، نشر اقبال، تهران، ۱۳۷۵ ه. ش. چاپ پنجم، ص ۸

سخن^۱ وارد شده است. از مجموع این احادیث استفاده می‌شود که سخنرانی، امری نکوهیده است.

اما حقیقت این است که در اینجا بین عالم با عمل صامت و عالم بی عمل سخنگو مقایسه شده است. آنچه در روایات، مذمت شده است، عالم بی عمل سخنگو است؛ در حالی که باید بین عالم عامل صامت و عالم عامل سخنگو مقایسه کرد و آن‌گاه دید که روایات، کدام‌یک از آنان را بیش‌تر می‌پسندد.

هر یک از سخن و سکوت در جای خود می‌تواند پسندیده یا ناپسند باشد: «عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْكَلَامِ وَالسُّكُوتِ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ

۱. از امام صادق عليه السلام نقل شده است که فرمود: «قَالَ لَقَمَانُ لِابْنِهِ يَا بُنَيَّ إِنْ كُنْتَ رَعَيْتَ أَنَّ الْكَلَامَ مِنْ فِضَّةٍ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ؛ لَقَمَانُ بِهِ فَرَزَنْدَش فَرَمُود؛ بِسَرْمَا اِگَر گمان داری که سخن از نقره است؛ پس سکوت از طلا است.»: الکافی، ج ۲، ص ۱۱۴.

بپردازیم. اصلاً چه نیازی به مهارت سخنوری است؟

در پاسخ باید گفت: پیامبران الهی از امکانات بسیاری برای تبلیغ دین بهره گرفته‌اند؛ همچون: علم سرشاری که مخاطبان را به کرنش وای داشت، معجزه، چهره جذاب و مناسب، اصل و نسب خوب، شهرت و سابقه درخشان، اخلاق خوب و...؛ در عین حال، شرط علم و عمل برای تأثیرگذاری در مخاطبان خوب و لازم است لیکن کافی نیست؛ از اینرو برای نمونه، زمانی که حضرت موسی عليه السلام مأمور شد تا فرعون را به راه راست هدایت کند، از خداوند خواست تا برادرش هارون را که فصیح‌تر سخن می‌گوید، با او همراه سازد.

۳. احادیث سخن و سکوت

بعضی به احادیث سخن و سکوت استناد می‌کنند و می‌گویند: روایات بسیاری در مذمت سخن گفتن و مدح سکوت یا فضل سکوت بر

قَالَ ﷺ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا آفَاتٌ فَأَذَا سَلِمَا مِنْ آفَاتٍ فَالْكَلَامُ أَفْضَلُ مِنَ السُّكُوتِ قِيلَ وَكَيْفَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالُوا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَا بَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَوْصِيَاءَ بِالسُّكُوتِ إِنَّمَا بَعَثَهُمْ بِالْكَلَامِ وَلَمَّا اسْتُحِقَّتِ الْجَنَّةُ بِالسُّكُوتِ وَلَمَّا اسْتُوجِبَتْ رِثَايَةُ اللَّهِ بِالسُّكُوتِ وَلَمَّا وَقِيَتِ النَّارُ بِالسُّكُوتِ وَلَمَّا تُجَنَّبَ سَخَةُ اللَّهِ بِالسُّكُوتِ إِنَّمَا ذَلِكَ كُلُّهُ بِالْكَلَامِ مَا كُنْتُ لِأَعْدِلَ الْقَمَرَ بِالشَّمْسِ إِنَّكَ لَتَصِفُ فَضْلَ السُّكُوتِ بِالْكَلَامِ وَلَسْتَ تَصِفُ فَضْلَ الْكَلَامِ بِالسُّكُوتِ^۱ از امام سجاد علیه السلام پرسیدند که کدام یک از سخن و سکوت، افضل است. او فرمود: برای هر یک از آن دو آفتی است. پس هر گاه از آفات، سالم بمانند، سخن گفتن افضل از سکوت است. گفتند: ای فرزند رسول خدا! چگونه سخن گفتن افضل است؟ فرمود: زیرا

خدای عزیز و جلیل، انبیا و اوصیا را به سکوت مبعوث نکرد؛ بلکه آنان را به سخن گفتن برانگیخت. بهشت با سکوت [برای کسی] استحقاق نیافت و ولایت خداوند با سکوت واجب نشد و آتش با سکوت نگه داشته نشد و خشم خداوند با سکوت کنار گذاشته نشد و همه اینها با سخن انجام می‌شوند. من ماه را معادل خورشید نمی‌کنم. [یکی از نشانه‌های برتری سخن این است که] تو فضیلت سکوت را نیز با سخن گفتن توصیف می‌کنی؛ ولی نمی‌توانی فضیلت کلام را با سکوت توصیف کنی.

در شعر و ادب فارسی هم آمده است:

گرچه پیش خردمند خامشی ادب است
به وقت مصلحت، آن به که در سخن کوشی
دو چیز طیره عقل است: دم فرو بستن
به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی^۲

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق. ج ۱۲، ص ۱۸۸، باب استحباب اختیار الکلام.

۲. سعدی.

و کهنه شده است. آنان بر این باورند که بهتر است در عصر ارتباطات و پیشرفت وسایل ارتباطی از ابزارها و شیوه‌های دیگر استفاده شود.

در اینجا نیز لازم است گفته شود: با آنکه تعداد مخاطبان رسانه‌ها، ابزارها و شیوه‌های دیگر، بیش‌تر از مخاطبان سخنرانی است؛ ولی چنان‌که اشاره شد این روش در مقایسه با رسانه‌های جدید از امتیازاتی ویژه، غیرقابل اغماض و بسیار مهم برخوردار است. از جمله آن امتیازات می‌توان به عمق تأثیرگذاری علمی، احساسی و معنوی در سخنرانی به دلیل ارتباط مشافهه، انس و محبت بیش‌تر بین گوینده و شنونده و حالات خاص جلسات سخنرانی اشاره کرد.

پرسش‌نامه

۱. تبلیغ و مبلغ در قرآن کریم از چه جایگاهی برخوردار است؟

صائب تیریزی در این باره چه زیبا سروده است:

در مقام گفت، مَهر خاموشی بر لب زدن
تیغ را زیر سپر در جنگ، پنهان کردن است
و اگر خاموشی، سبب کتمان حق
و معارف الهی باشد، به تعبیر قرآن
کریم، لعنت الهی را در پی خواهد
داشت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ
الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَدْرِ مَا يَبْئَسُ لِلنَّاسِ
فِي الْكُتُبِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ
اللَّعِينُونَ﴾^۴ کسانی که دلایل روشن و
وسيله هدایتی را که نازل کرده‌ایم،
پس از آنکه در کتاب برای مردم بیان
کردیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت
می‌کند و همه لعن‌کنندگان نیز آنها را
لعن می‌کنند.

۴. محدود بودن تأثیر

برخی می‌گویند که سخنرانی در
مقابل روشها و ابزارهای دیگر
پیام‌رسانی و تبلیغ، تأثیر چندانی ندارد

افندیشه کنید

۱. با توجه به اهمیت و جایگاه تبلیغ، چرا به اندازه لازم به آن توجه نشده است؟
۲. از نظر شما تا چه میزان باید به هر یک از رسانه‌ها به عنوان ابزار تبلیغ دین توجه کرد؟
۳. برای احیای جایگاه تبلیغ چه باید کرد؟ با دوستانتان مشورت کنید و طرح اجرایی بدهید.

۲. سه روایت در باره جایگاه مبلغ و پاداش دنیوی و اخروی او بنویسید.
۳. مک لوهان رسانه‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند؟ کدام یک از آنها بر مخاطبان تأثیرگذارترند؟
۴. سخنرانی در میان رسانه‌های پیشرفته امروز، از چه جایگاهی از نظر تأثیرگذاری برخوردار است؟
۵. دیدگاه قرآن کریم نسبت به جایگاه سخن و سخنوران دینی را توضیح دهید.

۶. برخی می‌گویند سخنرانی علم نیست تا قابل آموزش باشد. آیا این سخن درست است؟ توضیح دهید.
۷. بعضی مدعی شده‌اند که داشتن علم و عمل به آن برای تبلیغ دین کافی است؛ از اینرو نیازی به سخنرانی وجود ندارد. نظر شما در این باره چیست؟
۸. آیا از احادیث سخن و سکوت می‌توان استفاده کرد که سخنرانی، امری نکوهیده است؟ توضیح دهید.

